

## افغانستان و بندر چابهار

محمد اکرام اندیشمند

بازدید دکتر عبدالله رئیس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان از بندر چابهار یا چهاربهار (16 جدی 1394) در سفر رسمی وی به ایران یک بازدید فراتر از حد معمول و بازدید بسیار مهم تلقی می شود. اهمیت این بازدید به رفع و یا کم از کم کاهش وابستگی افغانستان منحصیث کشور محاط به خشکه به بندر کراچی پاکستان در دست یابی به راه بحری بر می گردد. آیا افغانستان با دسترسی به چابهار می تواند خود را از وابستگی به پاکستان و فشار اسلام آباد برهاند و حتی موفق به ایجاد توان و ظرفیت ایستادگی در برابر فشار و دخالت پاکستان شود؟

دولت اسلامی ایران که در سال 1991 میلادی چابهار را بمنظور جلب سرمایه گزاری های خارجی منطقه ویژه اقتصادی اعلان کرد، در سال های اخیر پنجاه هکتار از زمین های مجاور این بندر و محوطه بندر را برای ایجاد تاسیسات و ساختمان های مورد نیاز تاجران و تجارت با افغانستان به این کشور اختصاص داد؛ هر چند که هنوز نشانی از ساخت و ساز تاسیسات تجاری توسط جانب افغانستان دیده نمی شود.

در حالی که ایران در صدد توسعه بندر بحری چابهار برای جلب امور تجاری و اقتصادی کشورهای منطقه است، پاکستان برنامه توسعه بندر گوادر را با سرمایه گزاری هنگفت چین به سرعت دنبال می کند. این بندر از شهر کراچی هشتصد کیلومتر فاصله دارد و در خلیج گوادر منتهی الیه جنوب غربی پاکستان در کنار بحیره عمان واقع است. بندر گوادر پاکستان در واقع با بندر چابهار ایران در رقابت تجاری و اقتصادی به سر می برند و تهران و اسلام آباد بصورت اعلام نشده در صدد آن هستند تا هر کدام در این رقابت برنده شوند.

بندر چابهار با فاصله نهصد کیلومتری از بندر کراچی پاکستان در ولایت سیستان و بلوچستان در منتهی الیه جنوب شرقی ایران در شهرستان چابهار واقع است. شهرستان چابهار از شمال به بحر هند و بحیره عمان هم مرز است. بندر بحری چابهار نزدیک ترین راه دسترسی پنج کشور محاط به خشکی آسیای میانه (تاجکستان، قزاقستان، ازبکستان، قیرغیزستان و ترکمنستان) و افغانستان به آب های آزاد بحری است.

استفاده از بندر چابهار نه تنها برای شش کشور نامبرده محصور در خشکی بسیار با اهمیت است، بلکه چابهار برای هندوستان دارای بنادر بحری اهمیت و جایگاه مشابه دارد. زیرا هندوستان می تواند از این راه بحری به آسانی و ارزانی وارد بازار آسیای میانه شود. هند در یک دهه اخیر گام هایی را در جهت توسعه بندر چابهار برداشته است و با سرمایه گذاری ابتدایی در صدد آن شده تا تسهیلاتی برای کشتی های حامل کالا و امته تجاری به افغانستان و آسیای میانه در ساحل این بندر فراهم شود. ساخت و ساز و توسعه بندر چابهار به هند فرصت میدهد تا از وابستگی به پاکستان در ایجاد رابطه تجاری با افغانستان و آسیای میانه رهایی یابد.

ایران نیز می تواند از این بندر در فروش نفت خود به هندوستان سود بیشتر ببرد. از همین جهت است که هند یکی از سرمایه گذاران اصلی بروی بندر چابهار محسوب می شود و در صدد آن است تا با افغانستان و ایران اتحاد مثلث اقتصادی و تجاری بر سر این بندر شکل بگیرد. این سه کشور در سال 2003 موافقت نامه توسعه بندر چابهار را میان هم امضا کردند. بر مبنای این توافق، ایران متعهد شد تا سرک یا جاده چابهار را به مرز افغانستان در ولایت نیمروز اعمار کند و هندوستان پذیرفت این سرک را از مرز تا شهر زرنج و دلارام به سرک عمومی قندهار - هرات وصل کند. آنچه که سفر رئیس اجرایی را به بندر چابهار قابل توجه می سازد به تکمیل کار هر دو پروژه اعمار سرک از چابهار تا زرنج بر می گردد. به نظر می رسد که اتحاد مثلث اقتصادی و تجاری هند، افغانستان و ایران بر سر

چابهار عملاً در حال شکل‌گیری است. نکته اصلی گره و چالش بر سر چابهار برای افغانستان از همین جا بر می‌خیزد.

آیا دسترسی افغانستان به بندر چابهار از گزند و زیان رقابت و خصومت هند و پاکستان برکنار خواهد ماند؟

آیا پاکستان به این آسانی و راحتی خواهد گذاشت تا افغانستان خود را در بندر چابهار ایران از فشار و وابستگی به بندر کراچی پاکستان آزاد احساس کند؟

آیا در شرایط بحرانی و شعله‌های آتش جنگ و خصومت خاور میانه میان جمهوری اسلامی ایران و جبهه شیعه با سلطنت عربستان سعودی و عرب سنی، چابهار به بندر قابل دسترس و مساعد برای افغانستان محاط به خشکه مبدل خواهد شد؟

آیا دولت افغانستان این ظرفیت و مدیریت را خواهد داشت تا در میان انبوه تضاد و تعارض کشور های منطقه به منافع ملی کشور دست یابد؟